

گل گشتی در کوچه باغ‌های تاریخ ادب پارسی

پیام دل‌نشین دکتر غلام‌حسین حیدری*

در مقاله پیشین از مقوله «ادب پارسی» گفتیم و گستره حضور آن در عرصه جهانی. امروز برآنیم تا کوله‌باری از نیاز بر بندیم و سفری دراز را به دیار راز آغاز کنیم. ره‌توشه ما در این سفر سبویی از شبنم اشتیاق است و دفتری از گلبرگ‌های اوراق. بر سمندِ بال‌دار خیال می‌نشینیم و بر فراز درّه‌های ماه و سال پرواز می‌کنیم. هفت خوان تلاش و کوشش را می‌پیماییم، تا به کوه تاریک تاریخ می‌رسیم. صخره‌های ابهام را می‌کاویم و غارهای ابهام را می‌یابیم. امید، پشتوانه پوشش ماست و چراغ راه، عطش پژوهش ما.

در تاریخ زارهای غار پژوهش دورترین آثاری که در تیررس نگاه ما قرار می‌گیرد، ادبیات پارسی باستان از عهد هخامنشیان است. آثار بجا مانده از آن، بیش از ۴۰۰ واژه نامکرر بر روی لوحه‌ها، ظروف سیمین و زرین، سنگ نبشته‌ها و کتیبه‌هایی است چون نقش رستم، نقش رجب و مرغاب در فارس، کوه بیستون، کوه الوند، ارمنستان، مصر و از همه مهم‌تر و مفصل‌تر کتیبه داریوش بزرگ در بیستون (۵۲۳-۴۸۶ ق.م).

از آن‌جا که بگذریم به «اوستا» کتاب مقدس زرتشتیان می‌رسیم، که علی‌رغم تنوع نظرها درباره تاریخ آن براساس اهم نظریات مستشرقان حدود ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح پدید آمده است. آن‌چه امروز از آن میراث ادبی باقی مانده، مشتمل بر ۸۳ هزار کلمه و ۷۲ فصل درباره اندیشه‌های دینی، نیایش‌ها و آیین‌های مذهبی دین زرتشت و نیز فرهنگ مزدیسناست. این کتاب قدیمی‌ترین سند ادبی ایران است، که تا قرن هفتم میلادی در شؤون ادبی ایران مؤثر بوده است. پس از «اوستا» کاوش را پی‌می‌گیریم. ردپای داستان‌های اسطوره‌ای از قبیل جنگ رستم با دیوان را در دست نوشته‌های سغدی می‌یابیم، که در اثری به نام «دیونامه» درج شده است.

* رئیس دانش‌گاه آزاد اسلامی - واحد رودهن

در دوران اشکانی دو اثر مهم ادبی به نام «یادگار زبیران» و «درخت آسوریک» را می‌بینیم، که نخستین اثر به صورت حماسه‌ای منظوم و دومی منظومه‌ای مقفّا و آهنگین از مناظره درخت خرما و بز است.

زبان رسمی و رایج دوران ساسانی، پارسی میانه یا پهلوی بود، که در عهد اسلامی نیز تا مدت‌ها به عنوان یک زبان علمی و دینی و ادبی در میان دانشمندی که به کیش نیاکان خود باقی مانده بودند، رایج بود.

از دوره ساسانی آثاری گوناگون بجا مانده یا از آن ذکری شده است، از جمله کتیبه‌های اردشیرپاکان، شاپور اول، در نقش رستم و نرسی. آثار گوناگون آن دوره (قرون ۹-۳ میلادی) به زبان‌های عربی و فارسی امروزی برگردانده شده، از جمله: کارنامه اردشیر پاکان، خدای‌نامه، بهرام چوبین، نامه تنسر، ویس و رامین، پیروزنامه، بختیارنامه، پندنامه، آذر باد، مهر اسپندان، اندرزقبادان و اندرز مرد دانا و ده‌ها اندرزنامه دیگر به زبان پهلوی که امروزه جزیی از فرهنگ گران سنگ این مرز و بوم را تشکیل می‌دهد.

البته شکوه و عظمت فرهنگ و تمدن ایران باستان، نه دریایی است که در این سبو، و نه مبحثی است که در این گفت و گو بگنجد، بنابراین از این «یم»ها، «نمی» بر می‌گیریم و از این «بیش»ها «کمی» را.

با طلوع اسلام در افق تاریخ ایران زمین، طلایه‌داران سپاه سپیده با استناره از مناره نور نبوت و استفاده از پرتو ساطع شمس رسالت، صدف سخن را بارورتر و گوهر معنی را منورتر ساختند.

تار و پود فرهنگ و ادب ایرانی چنان با مضامین قرآنی - روایی آمیخت، که امروزه به هیچ وجه نمی‌توان مرز و حدّی میان این دو موضوع قائل شد. این پیوند بدان گونه ریشه‌دار است که گویی خمیرمایه و جوهر اصلی فرهنگ ایرانی و قرآنی چون دو روح در یک قالب است و بدون وجود عناصر پرمحتوای اسلامی، موضوعی به نام شعر و نثر فارسی وجود ندارد، بنابراین فهم و درک آثار ادبی و متون علمی فارسی نیاز به مطالعات عمیق در مسائل گوناگون دارد، تا خواننده بتواند آن گونه که باید و شاید از خرمن دانش و ادب پارسی توشه‌ای برگیرد و به گُنه اندیشه‌های والا و ژرف گویندگان و نویسندگان این آثار پی‌ببرد.

از محمدبن وصیف سگزی، فیروز مشرقی، مسعود مروزی، ابوسلیک گرگانی و محمود وراق به عنوان نخستین شاعران و ادیبان پس از اسلام نام برده می‌شود. نخستین نمونه‌های برجای مانده از نثر پارسی مربوط به قرن سوم و نیز نیمه اول قرن چهارم



هجری است. واقعیت این است که تاریخ چندان روشنی برای آغاز نشر پارسی دری در دست نداریم، هرچند ابوریحان بیرونی در «آثارالباقیه» قدمت نمونه‌هایی از نشر فارسی را تا نیمه اول قرن دوم هجری قمری ذکر می‌کند.

بیش از هزار سال از آغاز نخستین کتاب نشر فارسی به نام «مقدمه شاهنامه ابومنصوری» می‌گذرد. این شاهنامه توسط «ابومنصور المعمری» (۳۴۶ هـ.ق) گردآوری شده است. ترقی و رونق ادبیات منظوم و منثور فارسی از زمان سامانیان آغاز گشت. در منطقه نفوذ این خاندان (خراسان و ماوراءالنهر) شاعران و نویسندگانی بزرگ می‌زیستند، که مورد توجه و احترام سلاطین سامانی قرار می‌گرفتند. این ادیبان آثار ادبی متعددی پدید آوردند، که شرح کتاب‌ها و شرح حال آنان در تذکره‌ها آمده است. از میان این گروه «رودکی» و «دقیقی» از همه نام‌آورتر بوده‌اند. از قرن چهارم تا قرن نهم، شاعران و نویسندگانی برجسته در ایران قد برافراشتند، که عده‌ای از آن‌ها از مفاخر بزرگ ادبی جهان بشمار می‌روند. گروهی از اینان در ایران و میان فارسی‌زبانان شهرت داشته‌اند و عده‌ای نیز به علت از میان رفتن دیوان‌های اشعارشان گم‌نام مانده‌اند، ولی به هر حال در قرن چهارم بیش از ۳۰۰ نفر شاعر در ایران می‌زیسته‌اند که حداقل ۱۰۰ نفر از آنان به فارسی شعر می‌سروده‌اند. رودکی از پایه‌گذاران شعر فارسی یکی از آن‌هاست. بعضی از دیگر شاعران و ادیبان پرآوازه این شش قرن عبارتند از: سعدی، حافظ، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، نظامی، فردوسی، سنایی غزنوی، عطار نیشابوری، ناصر خسرو قبادیانی، عنصری، فرخی سیستانی، منوچهری دامغانی، مسعود سعد سلمان، ابوالفضل بیهقی، خواجه نظام الملک توسی، محمد غزالی، رشید وطواط، انوری، خاقانی، عبید زاکانی و سلمان ساوجی.

در قرن دهم با ظهور و تأسیس حکومت صفویه در ایران به ادبیات کمتر توجه می‌شد. برعکس در هند و آسیای صغیر شاعران پارسی‌گوی اعتبار و آوازه‌ای بسیار یافتند بویژه در هند سبکی بوجود آمد که به «سبک هندی» معروف شد. دربار اکبرشاه، پناه‌گاه شاعران ایرانی بشمار می‌رفت. از این رو، ۵۱ تن از شاعران ایرانی به هند مهاجرت کردند. ترکان عثمانی نیز به شعر و ادب پارسی احترام فراوان می‌گذاشتند. اشراف و بزرگان آن زمان، آشنایی با زبان پارسی را برای خود مایهٔ فخر و مباهات می‌دانستند.

برخی از شاعران قرن دهم عبارتند از: هلالی جغتایی، عرفی شیرازی، وحشی بافقی، محتشم کاشانی، کلیم کاشانی، طالب آملی، بابافغانی شیرازی و بالاخره بزرگ‌ترین شاعر روزگار صفویه، «صائب تبریزی» است.

در نیمه دوم قرن دوازدهم عده‌ای شاعر و ادیب، از جمله: مشتاق، هاتف، عاشق اصفهانی و آذربیدلی سبک بازگشت ادبی را پیشنهاد کردند. این بازگشت ادبی، برای ادبیات بسیار سودمند بود. برخی از شاعران دوره بازگشت ادبی عبارتند از: صبای کاشانی، صباحی کاشانی، سحاب، نشاط اصفهانی، سروش، مجمر اصفهانی، نامی اصفهانی، وقار، وصال شیرازی، قآنی شیرازی، فروغی بسطامی و ادیب نیشابوری.

ارتباط با تمدن و فرهنگ اروپایی و مبارزات سیاسی و آزادی‌خواهی، شعر معاصر فارسی را به مضامین سیاسی، اجتماعی و انتقادی سوق داده و قالب‌هایی تازه پدید آورده است. نیما یوشیج مبتکر شعر نو و عده‌ای دیگر از شاعران، فریادگران نغمه‌های نو در قالب‌های نو هستند.

برای رعایت اختصار از ذکر نام دیگر شاعران بزرگ و ادیبان سترگ خودداری کرده، به همین تذکار بسنده می‌کنیم.